

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه نود و پنجم تاریخ: ۸۸/۲/۶
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خاتم الانبياء و المرسلين سيدنا و نبينا أبي القاسم محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين سيما بقيه الله في الارضين واللعن على أعدائهم أجمعين.

در بحث اقسام جهاد چهارمین نوعی که مورد بحث واقع شد، جهاد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر است. گاهی از اوقات امر به معروف یعنی ایجاد معروف، به وجود آوردن معروف یا ازاله ی منکر احتیاج به جهاد و قیام و برخورد شدیدی پیدا می کند. بحث ما اینجاست. چون برای امر کردن به معروف و نهی از منکر مراتبی هست. مرتبه ی اول انکار قلبی است. که انسان قلباً نسبت به آن معصیت منزجر و متفتر باشد. این مرحله ی اول نهی از منکر است. دوم به لسان. با زبانش، آن هم مراتب دارد. از ملایم شروع می شود. نصیحت و ملایمت و بعد بالاخره هر کس است با زبان، شدت پیدا می کند. آن هم به لسان است. اینجا در بحث امر به معروف باید بحث شود. سوم به ید. قلباً، لساناً، یداً، با "ید". این هم دو معنا دارد. یکی اینکه انسان خودش، با دست خودش. معروف یعنی هر کار خوب. با دست خودش کسی کتاب می نویسد، یک نوع امر به معروف است. امر در اینجا به معنای آن نیست که دیگری را امر کنیم. یعنی وادار کردن خودمان یا دیگری به انجام معروف. بالاخره بسیاری از معروفها با ید خود شخص انجام می شود. بحثی نداریم. بسیاری از منکرات هم با ید شخص. شما خودتان شخصاً یک نفر شرابی را نابود می کند مثلاً. خوب این یک نوع از بین بردن منکر است. یک معنی ید این است که انسان خودش با دست خودش معروفی را ایجاد کند یا منکری را از بین ببرد. آن هم بحث ما نیست. ید به این معنا محل بحث نیست. ید به معنی اینکه انسان با دستش شمشیر بگیرد و قیام کند و جهاد کند. این محل بحث ماست. که بعضی از اوقات امر به معروف و نهی از منکر با جهاد است. شرابخانه ای است که می خواهیم خرابش کنیم. مسلماً برخوردی به وجود خواهد آمد. جرح و قتلی به وجود خواهد آمد و هكذا. ما می خواهیم عرض کنیم یک قسم از اقسام جهاد تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد. به عبارت روشن تر جهاد برای ازاله ی منکر. می خواهیم که ما جهاد کنیم، با شمشیر قیام کنیم، برخورد کنیم. این برخورد مستلزم جرح و قتل خواهد بود. این یک نوع جهاد است. منتها جهاد برای ازاله ی منکر. در این رابطه ما از روایات استفاده می کنیم.

ما کلامان در برابر فقهای بزرگ ما (رضوان الله علیهم) که جهاد را سه قسم کردند، گفتیم نه اقسام فراوان دارد. آنها گفتند یک جهاد برای دعوت به اسلام است که می رسم. یک جهاد هم جهاد دفاع است، مقداری بحث کردیم باز هم بحث می کنیم. یک جهاد هم جهاد بغاوت. با کسانی که در برابر حکومت اسلامی و امام عصر و زمان قیام کنند و آن حکومت را نپذیرند. مثل قاسطین، مارقین، ناکسین. اینجا سه قسم گفته بودند. ما گفتیم نه خیر جهاد بر حسب آیات قرآن و روایات اهل بیت: اقسام زیادی پیدا می کند. حالا در آن زمان شاید، زمان اقتضا می کرده که به همین اکتفا کنند و همین را هم کمرنگ اکتفا کنند. اما ما گفتیم که ما به تمام علما وظیفه داریم با نظر بسیار بسیار تکریم و تجلیل نگاه کنیم. چیزی هم اگر عرض می کنیم. بحث علمی است و در حوزه ی علمیه است و اینهاست. دیروز که راجع به وسائل الشیعه چیزی گفتیم، ما که نمی خواهیم نسبت به علما خدای نکرده مطلبی گفته باشیم که بر خلاف مقام شامخ آنها باشد. اما خوب. اینجا همان سه قسم را گفته بودند. زمانشان اقتضا می کرده که به همان سه قسم اکتفا کنند، بسیار کمرنگ. ولی خوب وقتی ما با روایات و اخبار و آیات مطلب را حساب می کنیم جهاد خیلی اقسام پیدا می کند.

ما یک قسم داریم جهاد برای نجات مستضعفان از جنگال مستکبران. این یک قسم است. قسم دوم جهاد در برابر سلاطین و جباران. مثل قیام سیدالشهداء علیه السلام و امثال آن که موارد فراوان ذکر کردیم. یک قسم این بود. قسم سوم جهاد برای دفع فتنه، که آیات قرآن می گفت و دفع فساد. این سوم بود. اینجا را بحث کردیم. چهارم جهادی است برای ازاله ی منکر. برای اجرا و عملی ساختن امر به معروف و نهی از منکر. آن هم با "ید". این مرتبه اش می شود جهاد و به بحث ما مربوط می شود. اما مراتب دیگر امر به معروف بحث آخر. با بحث ما که در جهاد داریم بحث می کنیم مربوط نمی شود. از روایات استفاده می کنیم این نوع جهاد را.

این خبر که دیروز مقداری خوانده شد گفتیم که خبر در فروع کافی جلد ۵ صفحه ۵۵. ولیکن در وسائل هم ذکر کرده. منتها قطعه قطعه کرده. یک قطعه اش مثلاً جلد ۱۱ وسائل صفحه ۴۰۳. باب ۳ از ابواب امر و نهی. قطعه قطعه کرده، یک قطعه اش آنجاست. آن قطعه هم که به بحث ما مربوط است همانجاست. جلد ۱۱ وسائل صفحه ۴۰۳ باب ۳ از ابواب امر و نهی. وسائل ۲۰ جلدی البته. این خبر این بود که حضرت باقر علیه السلام فرمودند «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ» از آخر الزمان خبر می دهد. یکی از چیزهایی که در فرهنگ ما بسیار وسیع است، هشدار درباره ی آخر

الزمان است. ائمه: برای اینکه مسلمانها، شیعه ها بدانند، مهیا باشند، جریان آخر الزمان چگونه خواهد بود؟! شما باید در آن زمان، چه ها به وجود خواهد آمد و دین خودتان را چگونه نگه دارید و وظیفه ی شما در آن زمان چیه؟! یک وقت من حساب کردم در بحار الانوار ۱۵۳ حدیث در کلمه ی آخرالزمان دارد. اگر کسی واقعاً این احادیث را جمع کند خیلی آموزنده است که در آخرالزمان چه خواهد شد. در ۱۵۳ حدیث کلمه ی آخر الزمان واقع شده. خوب خیلی مطالب هست. خیلی مهم بوده که اینقدر رویش تأکید شده و اهتمام به عمل آمده. گفتیم سند خبر همان طور که عرض کردیم قوی نیست. ولی «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يُتَّبِعُ» در وسائل است که «يَتَّبِعُ» اما غلط است. در کافی نسخه صحیح که مراجعه کنید «يَتَّبِعُ» است. یعنی به وجود می آید می جوشد. در آخر الزمان قومی می جوشند، به وجود می آیند «مُرَأُونَ» ریاکار می شوند. «يَتَّبِعُونَ» یعنی قاری قرآن بودن را به خودشان می بندند. از باب تفعل برای بستن چیزی به خودشان. «وَ يَتَّبِعُونَ» ناسک بودن و عابد بودن را به خودشان می بندند. «حُدَاتَاءُ سُنْفَهَاءُ» تازه به وجود آمده اند. و سفیه اند. عقل کامل ندارند. اینها «لَا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيًا عَنْ مُنْكَرٍ» اینها امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی دانند. «إِلَّا إِذَا أَمِنُوا الضَّرَرَ» فقط در جایی که ضرر نداشته باشد امر به معروف و نهی از منکر می کنند. «يَطْلُبُونَ لِأَنْفُسِهِمُ الرُّخْصَ وَالْمَعَاذِيرَ» اینها برای خودشان، برای اینکه شانه خالی کنند از انجام این وظیفه. برای خودشان رخصت هایی می تراشند. درست می کنند. توجیه می کنند. برای خودشان عذرها و بهانه هایی را توجیه می کنند و درست می کنند. «يَتَّبِعُونَ زَلَّاتِ الْعُلَمَاءِ» اینها می افتند دنبال لغزشهای علما. برای خاطر اینکه کارهای خودشان را توجیه کنند. یکی از کارهایشان این است که لغزشهای علما را پیدا می کنند. تا می گویم چرا فلان کار را کردی؟ می گوید فلان کس که عالم است هم این کار را کرده. «يَتَّبِعُونَ زَلَّاتِ الْعُلَمَاءِ وَ فَسَادَ عَمَلِهِمْ» در وسائل هست که «فساد علمهم» ولی نه «فساد عملهم» درست است. «يَقْبَلُونَ عَلَيَّ الصَّلَاةَ وَ الصِّيَامَ» حدیث مشتمل بر انتقاد بسیار شدیدی است. این قبیل افراد به نماز و روزه اقبال می کنند. نماز خیلی سرمایه گذاری لازم ندارد. آب فراوان، وضو می گیری و نماز می خوانی. روزه هم می گیرند. «وَ مَا لَأَ يَكْلِمُهُمْ» دنبال چیزی هستند که به آنها ضرر نمی رساند. «كَلِمٌ»، «يَكْلِمٌ» یعنی ضرر رساندن و زخم کردن. «وَ مَا لَأَ يَكْلِمُهُمْ فِي نَفْسٍ وَ لَأَ مَالٍ» یعنی چیزی که ضرر مالی برای آنها ندارد. ضرر نفسی هم ندارد به آن اقبال می کنند. «وَ لَوْ أَضْرَتِ الصَّلَاةُ بِسَائِرِ مَا يَعْمَلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَبْدَانِهِمْ

لَرَفَضُوهَا» اگر نماز ضرر می رساند به عملهای آنها، به مالشان ضرر می زد یا به بدنشان، همان نماز را هم نمی خواندند. نمازی هم که می خوانند آن جوری است که با آن شرایطی است که به آنها ضرر نرساند. «وَ لَوْ أَضْرَتِ الصَّلَاةُ بِسَائِرِ مَا يَعْمَلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَبْدَانِهِمْ لَرَفَضُوهَا كَمَا رَفَضُوا أَسْمَى الْفَرَايِضِ وَ أَشْرَفَهَا» اینها «أَسْمَى الْفَرَايِضِ» سامی ترین و عالی ترین فرایض را ترک کردند. اشرف فرایض را ترک کردند. چیه آن اشرف فرایض ها؟ امر به معروف و نهی از منکر. بعد می گوید «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ» بدانید امر به معروف و نهی از منکر فریضه ی بزرگی است. «بِهَا تُقَامُ الْفَرَايِضُ هُنَالِكَ» فرایض دیگر به این وسیله اقامه می شوند. و این قبیل افراد در آخر الزمان به وجود خواهند آمد. «هُنَالِكَ يَتَّبِعُ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» این چنین که شد. امر به معروف و نهی از منکر ترک شد، غضب پروردگار به وجود می آید. «فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ» خداوند همه را، خشک و تر را و همه را با عقاب خودش عقاب می کند. «فِيهِلِكُ الْأَبْرَارُ فِي دَارِ الْفُجَارِ» ابرار، خوبان هم، دار شده دار فجار دیگر. چون همه امر به معروف را ترک کردند، منکر را مرتکب می شوند دیگر.

بیغمبر ﷺ در حدیثی فرمودند که «كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَقِيلَ لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا» کم همین جور می شود.

می فرمایند که عقاب پروردگار وقتی که عمومیت پیدا می کند ابرار در دار فجار هلاک می شوند. «وَ الصَّعَارُ فِي دَارِ الْكِبَارِ» صغار در دار کبار هلاک می شوند. «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصَّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَايِضُ» هفت چیز ذکر می کند برایش. اول «تُقَامُ الْفَرَايِضُ» تمام واجبات در سایه ی این به وجود می آیند. «وَ تَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ» راههای دین و دنیا به این وسیله امنیت پیدا می کنند. «وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ» به وسیله ی امر به معروف و نهی از منکر کسبها حلال می شود و آلا حرام می شود. «وَ تُرَدُّ الْأَمْطَالُ» به این وسیله حقوق ادا می شود. «وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ» به این وسیله زمین آباد می شود. «وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ» به این وسیله از اعداء انتقام گرفته می شود. «وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» کار دنیا و دین منظم می شود. این حدیث را قطعه قطعه شاید خوانده باشید در جایی. ولی ما همه ی حدیث را داریم می گویم. حالا چه باید کرد؟ «فَأَكْرِوْا بِقُلُوبِكُمْ وَ الْفُطُورِ بِالسَّبْتِكُمْ وَ

۲۱ صفحه ۳۵۴ تا ۳۵۵ همین خبر را نقل کرده. ملاحظه فرمودید که این خبر دلالت دارد بر جهاد در راه ازاله ی منکر و ایجاد معروف. چند خبر مثل این دارم. آدرس می دهم خودتان مطالعه کنید. یکی باز در باب ۳ از ابواب امر و نهی جلد ۱۱ و مسائل صفحه ۴۰۵. از نهج البلاغه نقل می کند. حضرت امیر علیه السلام فرموده است به اینکه «وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ فَذَلِكَ مَيِّتٌ الْأَحْيَاءُ» باز همان سه تا را می گوید. کسی که ترک کند امر به معروف را. نه با قلب و نه با لسان و نه با ید. این مرده است. اما کسی که هر سه را انجام بدهد هم با قلب و هم با لسان و هم با ید. این افضل و اکمل مراتب را انجام داده. اما بعضی ها فقط قلب است. آنها یک خصلت دارند. دو تایش را ترک کردند. بعضی ها فقط زبان است. آن ید را ندارند. خلاصه این حدیث است که هر سه باید باشد.

خبر هشتم از باب سوم از ابواب امر و نهی صفحه ۴۰۵ جلد ۱۱ و مسائل. در صفحه ۴۰۶ هم باز حدیثی از نهج البلاغه نقل کرده. حدیث ۹ و ۱۰. دو تا نقل کرده. خوب این قبیل روایات دلالت دارند بر اینکه یک نوع از جهاد، جهاد در راه امر به معروف و نهی از منکر است.

آن وقت در اینجا یک بحثهایی به وجود می آید. یکی از بحثهای مهم همین است که در جواهر مطرح کرده. امر به معروف و نهی از منکر با قلب که بر همه لازم است. قلباً متنفر باشند از ترک معروف و ایجاد منکر. خوب معلوم است که این وظیفه ی همه است. دوم اینکه با لسان. قیام کنند و نصیحت و ملایمت و بعد درجه به درجه و خلاصه با لسان هر چه هست. مراتب دارد.

اما سوم اینکه با دست اگر بخواهند قیام کنند، برخورد کنند این منجر به این می شود که جرح و قتل به وجود می آید. آیا اگر جرح و قتل به وجود آمد این را هم در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام مجازند. یا مجاز نیستند. اینجا «اختلفوا علی قولین» جواهر عرض کردم که مطالعه می کنید.

در جواهر در صفحه ۳۸۳ جلد ۲۱ بعد از نقل روایات و کلمات که دال بر وجوب بود، بعد از ذکر مراتب که قلب و لسان و اینها بود، بعد که به "ید" آمده این را گفته. «لو افتقر إلى الجراح أو القتل» اگر امر به معروفی است و محتاج به جرح و قتل است، یک سینمایی ساختند. سینمایی که فیلمهای بد داشت. حالا که الحمدلله دارد خوب می شود. شراخانه ای درست شده مثلاً، فاحشه خانه ای تأسیس شده، رفتند، قلباً که مزجرند، لساناً گفتند و نتیجه نگرفتند، از بین بردنش محتاج به قیام و جهاد است، تا «صُكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ وَ جَاهِدُوهُمْ بِأَيْدِيكُمْ» عملی شود،

صُكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ» حضرت می فرمایند حضرت باقر علیه السلام، هم با دل انداز و تنفر داشته باشید، هم با زبان نهی از منکر کنید. و بر پیشانی کسانی که مرتکب منکرند بکوبید. "صک" یعنی کوبیدن با شدت. "صک" یصک" مثل مد- یمد" «وَ صُكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ وَ لَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَّائِمَةً» در راه انجام وظیفه از ملامت ملامت کنندگان ترسید. «فَإِنْ اتَّعَطُوا وَ إِلَيَّ الْحَقُّ رَجَعُوا» اگر مرتکبین منکر و تارکین معروف اگر از شما پذیرفتند موعظه ی شما را، به حق برگشتند، «فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ» در این صورت هیچ اشکالی نیست و کسی کاری ندارد. آیه ی قرآن (إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَي الَّذِينَ يظلمون النَّاسَ وَ يَبغون فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) این از سوره ی شوری آیه ی ۴۲ است. حالا باز هم تتمه دارد. «هُنَالِكَ فَجَاهِدُوهُمْ» جهاد کنید. ما منظورمان این کلمات است. «فَجَاهِدُوهُمْ بِأَيْدِيكُمْ» از این جهت می خوانیم. حدیث دال بر این است که در این راه جهاد کنید. «هُنَالِكَ فَجَاهِدُوهُمْ بِأَيْدِيكُمْ» با بدنهای خودتان شمشیر به دست و سلاح و خلاصه باید قیام کنید و جهاد کنید. «وَ أُبغضوهم بِقُلُوبِكُمْ» در دل که از آنها تنفر دارید ولی با دست جهاد کنید. منتها «غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَانًا» برای خدا این کار را بکنید. نه اینکه بخواهید سلطه به وجود بیاورید برای خودتان. «وَ لَا يَباغين مَالًا» نمی خواهد مال به دست بیاورید. به معنی طلب است در اینجا. «وَ لَا مُرِيدِينَ يظلم ظفرًا» نه اینکه شما بخواهید مثلاً فتح و ظفر برای خودتان بخواهید. نه، کار، کار الهی است و برای خدا. «حَتَّى يَفِيئُوا إِلَيَّ أَمْرَ اللَّهِ وَ يَمْضُوا عَلَي طَاعَتِي» تا برگردند و اطاعت امر خدا کنند. «وَ يَمْضُوا عَلَي طَاعَتِي» آن وقت تتمه دارد. حدیث را قطعه قطعه خیلی جاها خواندید.

«قَالَ وَ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ شُعَيْبُ النَّبِيِّ صَ أُنِّي مُعَدَّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ» خداوند وحی کرد به شعیب که من صد هزار نفر از قوم تو را هلاک خواهم کرد. «أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ» چهل هزار از شرار ولی شصت هزار از اخیار. «فَقَالَ عَ يَا رَبُّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ» اشرار معلوم است. چهل هزار نفر. «فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ» اخیار چرا شصت هزار نفر؟! «فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ دَاهَتْوَا أَهْلَ الْمَعَاصِي» برای خاطر اینکه آنها با اهل معاصی مداهنه کردند. یعنی سست و نرم برخورد کردند و تملق گفتند. «إِلَيْهِ دَاهَتْوَا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَفْضُبُوا لِعَضْبِي» این خبر چنان که ملاحظه فرمودید، با انتقاد شدید از کسانی که تارک امر به معروف و نهی از منکر هستند تصریح دارد به اینکه «جَاهِدُوهُمْ بِأَيْدِيكُمْ»، «وَ صُكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ». این قبیل عبارات که دال است بر اینکه یک نوع جهاد هم این جهاد است. جهاد در راه ازاله ی منکر و ایجاد معروف. صاحب جواهر در بحث امر به معروف در جلد

شد شما می خواستید کاری بکنید که بعد از این آن شخص خودش باشد ولی منکر مرتکب نشود. ولی خودش را کشتید. بله آن هم می گوید که اینجا احتمال تأثیر نیست. قبلاً گفتیم شرطش تأثیر است. و تأثیر در جایی است که خود شخص باشد و متنبه شود و کار را ترک کند. شما شخص را از بین بردید. این دوم.

سوم اینکه اگر قرار باشد اینجور باشد فساد و هرج و مرج به وجود می آید. امام که خودشان غایبند و به شخص خاصی اذن نداده اند. اگر به مؤمنین واجب باشد که هر کسی این کار را بکند خوب ایشان می گوید، حالا ما نقل می کنیم... فساد عظیم به وجود می آید. هرج و مرج به وجود می آید. ما می دانیم که در شریعت اسلام هرج و مرج جایز نیست. باید نظام زندگی مردم، فضای زندگی، زندگی باشد آرام، که هرج و مرج نباشد، مرتب باشد، منظم باشد. این هرج و مرج به وجود می آید. خصوصاً ایشان می گوید در این زمان. صاحب جواهر می گوید در زمان ما. اگر در یک زمانی منکر کم باشد نهی کنند به هر شکلی. اما اگر منکر و مرتکبین منکر فراوان باشند، اگر قرار باشد شما چاقو بردارید و شمشیر بردارید و بیفتید به جان کسانی که مرتکب منکرند. خوب زیادند دیگه. بالاخره آنها هم که آرام نمی نشینند و این باعث می شود که یک هرج و مرجی به وجود می آید. «و بالجمله لا یکاد ینکر» این مقتضی است که چه باشد؟ فساد نظام است. ادله از طرف "لا" هاست. پس کسی اگر اعا کند که "ما دل علی وجوب امر و نهی" مقتضی این است که هر کسی بتواند قیام کند و برخورد فیزیکی بکند، این دعوا واضحة الفساد است.

از طرفی هم می شود کسی بیاید و بگوید این بر پیغمبر صلی الله علیه و آله واجب بوده. هر چه بر آنها واجب بوده بر ما هم واجب است. ما تأسی به آنها می کنیم. اگر بودند آرام نمی نشستند. ما هم آرام نمی نشینیم. می گویم این را هم نمی توان گفت. نمی شود گفت که هر چه بر آنها واجب بوده، بر ما هم واجب است. بنابراین اینها ادله ی آنهاست. حالا باز هم یک چیزی می گوید که در صورتی ضرر رساندن و کشتن بر کسی حرام است که مقصود کشتن باشد. اما اینجا مقصود امر به معروف است. می گوید فرقی نمی کند. بالاخره این نتیجه ی امر به معروف کذایی مستلزم جرح است و قتل است و موجب فساد است و هرج و مرج و اختلال نظام است. این ادله ی آن طرف. خوب اینها را گفته اند که "لا".

اما ادله ی این طرف که صاحب جواهر کم کم برمی گردد. خلاصه می رود سراغ ولایت فقیه. بله. اینطور اگر بخواهند مردم آزاد باشند و هر کس هر کس باشد اینطوری است. ولی ایشان می گوید که ما

خوب مسلم است که این طور برخورد قتل دارد. صاحب جواهر عنوان می کند که آیا در زمان غیبت امام این جایز است یا نه؟ ایشان می گوید آنچه که محتاج به جرح و قتل است، «هل یجب؟ قیل و القائل السید» سید مرتضی، «و الشیخ فی التبیان» شیخ طوسی در تفسیر تبیان «و الحللی» حلبی به این ادیس می گویم. «و الفاضل فی جملة من کتبه» علامه «و یحیی بن سعید و الشهدید فی النکت علی ما حکى عن بعضهم نعم یجب» اینها گفتند که واجب است. واجب است ولو اینکه مستلزم جرح و کشتن و اینها باشد.

«و قیل و القائل الشیخ» باز شیخ طوسی. اینجا ایشان نقل کرده در صفحات قبل از شیخ طوسی در نهاییه شیخ طوسی، نقل کرده که نه با دست در زمان غیبت واجب نیست. «و الدیلمی و القاضی و فخر الإسلام و الشهدید و المقداد و الکرکی علی ما حکى عن بعضهم» معلوم می شود بعضی کتابها پهلوی صاحب جواهر نبوده. می گوید «علی ما حکى عن بعضهم» به واسطه نقل می کند. «قیل لا». بنابراین دو قول شد "نعم" و "لا". منتهای قیل لا یجوز إلا بإذن الإمام علیه السلام» قیل لا الا باذن امام معصوم علیه السلام. «بل فی المسالك هو أشهر» لا، اشهر است. «بل فی مجمع البرهان و المقدسة الاردبیلی هو المشهور بل عن الاقتصاد الظاهر من شیوخنا الإمامیة أن هذا الجنس من الإنکار لا یکون إلا للأئمة علیهم السلام أو لمن یأذن له الإمام علیه السلام» محقق می گوید «و هو الأظهر». صاحب جواهر قبول ندارد. حالا بعداً می گویم. می گوید "اظهر" همین است. این جور جهاد در زمان غیبت امام جایز نیست. «و هو الأظهر» چرا؟ حالا دلایلها را ببینید. البته صاحب جواهر بعداً رد خواهد کرد.

حالا می بینیم دلایلها را. اول «للأصل» شک داریم به اینکه آیا این نوع جهاد در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام که خودشان غایبند، اذن خاصی هم به کسی نداده اند، اول اصل است. اصل عدم وجوب. نه واجب نیست. بنشینید و نگاه کنید. واجب نیست. این اصل هم می گوید سالم است از معارضه ی اطلاعات. نگویید اطلاعات امر به معروف. آنها منصرفند به قلب و لسان. در زمان غیبت امام شامل ید نمی شود. اول اصل «السالم عن معارضة الإطلاق المنصرف إلى غیر ذلك خصوصاً بعد...» حالا ایشان می گوید که قبلاً خواندیم که امر به معروف و نهی از منکر در جایی است که تأثیر داشته باشد. تأثیر داشته باشد معنایش چیه؟ یعنی شما برای خاطر اینکه یک نفر شرابخوار شراب نخورد زدید و کشتید. خوب تأثیر چیه؟ تأثیرش می گوید معنایش این است که این را می خواهیم که یک کاری بکنیم که آن منکر ترک شود نه که خودش بمیرد. سالبه به انتفاع موضوع کردید شما. شخصی که یک منکری مرتکب می

معتقدیم که فقیه است، قائم مقام امام است، هر کاری که برای امام بوده، بر فقیه هم لازم است که انجام بدهد. این باید تحت برنامه ای باشد که از طرف ولی فقیه تنظیم شود. ان شاء الله فردا عرض می کنیم.